

# مهاجرت اجباری

## ترک وطن کسی به ارادت نمیکند

امیر فیض- حقوقدان

بطوریکه خوانندگان محترم تحریرات مستحضرند در تاریخ دوم فوریه سال جاری، تحریرات، نقدی داشت تحت عنوان نامه اعلیحضرت به آقای ترامپ<sup>۱</sup> و در آن تحریر به واژه میلیون ها ایرانی تبعیدی که در نامه اعلیحضرت بکار گرفته شده بود انتقادی اصولی وارد گشت، بر مدار این توضیح قرارداد است که تبعید نوعی مجازات قانونی است (در جمهوری اسلامی) که متضمن تحمل مشقت و زندگی سخت برای تبعید شده است و چنین صفتی در وصف ایرانیان مقیم آمریکا قابل قبول نیست.

توجه مورد، خوشبختانه در نظر اعلیحضرت قبول افتاد و در مصاحبه ای که شاید بتوان گفت به همین منظور با صدای آمریکا بتصدی خانم ستاره درخشش دو روز بعد ترتیب داده شد، اعلیحضرت درباره علت ارسال نامه به آقای ترامپ بجای **تائید کلمه میلیونها تبعیدی از واژه درست مهاجرت اجباری استفاده فرمودند.**

مهاجرت اجبار بجاترین و مساعد ترین واژه مفهومی است که به موقعیت ایرانیانی که پس از استقرار جمهوری خون وحشت در ایران ترک کشور کرده اند تعلق میگیرد؛ زیرا ترک وطن کسی به ارادت نمیکند، یعنی فشار، نارضایتی، وحشت و امثال آنهاست که انسان را ناچار میکند تا وطنش را ترک کند.

### رفع نادرستی

باتشکر از توجه اعلیحضرت برای رفع نادرسی مزبور و قوام بخشیدن به مطلب مغشوش و غیر قابل دفاع میلیون ها تبعیدی به استحضار میرساند:

تشکر و سپاسگذاری از این جهت که (اشتباه را تصحیح نکردن خود اشتباه بزرگتری است = کنفسیوس) آثار نامانوس و خرده گیرانه عبارت میلیون ها تبعیدی به حاشیه اشتباه فرستاده میشود و جای آنرا عبارت با معنا و متحمل آثار درست (مهاجرت اجباری) قرارداد شده است.

تصمیم درست و تحسین آمیز اعلیحضرت متضمن این معناست همانطور که در تحریر (نامه اعلیحضرت به آقای ترامپ) بشرح رفت نامه مزبور بوسیله محرری نوشته شده است و با استحضار و یا بر مبنای اطمینان اعلیحضرت برای آقای ترامپ ارسال گردیده است.

این شیوه غیرمرسوم نیست بیشترشخصیت ها نه درنوشتن نامه ها دخالت دارند ونه درکم وکیف آن بلکه تنها ازکلیت موضوع آن با اطلاع هستند ولی آن موارد مشروط به وجود صلاحیت، تسلط به نامه نگاری و از همه مهمتر رعایت مصالح و اعتباروشخصیت صاحب نامه است.

### تمثیلی برای گفتن آنچه نباید گفت

درسابق اشخاصی که خودشان سواد کافی نداشتند درکنارنامه نویسان عمومی می نشستند ونامه نویس از جانب آنها نامه مینوشت؛ معمولا نامه نویسان سعی میکردند که منویات وخواستهای متقاضی نامه را بوضوح درنامه پیاده کنند وصاحبان نامه هم چون سواد کافی نداشتند همان نامه را پست میکردند حال اگر آن نویسنده نامه بی شرافت و نا اهل بود وبجای مراتب ارادت ودوستی چیزهای مینوشت و روال دشمنی وعداوت را جانشین اردات ودوستی صاحب نامه مینمود البته که این بی شرافتی به حساب صاحب نامه گذاشته میشد؛ ولی لافل وقتی صاحب نامه فهمید که نویسنده نامه فاقد صداقت وامانت داری ودرمجموع آدم غیرقابل اطمینانی است، دیگراز آن نامه نویس استفاده نمیکند و این عمل و تجربه اوسبب میشود که نسبت به تمام نامه نگاران خیابانی با احتیاط رفتارکند وبه مصداق مارگزیده از ریسمان سیاه وسفید میترسد بی گذار به هم نمی زند تا بهرنامه نویسی اعتماد نکند.

متاسفانه اعلیحضرت درمسیراین احتیاط وتجربه آموزی قرار ندارند وهمانطور که خودشان فرموده اند هرکه از آن طرف آب به این طرف بیاید به سابقه آن شخص کاری ندارند.

این دریافت اعلیحضرت یک نوع سعه صدراست ولی سعه صدر از مال خود مجازاست نه از امانت و مال غیر. اعتباراعلیحضرت همانطور که مورد تائید خودشان است؛ امانت تاریخ وهویت ملی ایرانیان است، نزد ایشان مال شخصی ایشان نیست که اهمیت ندهند وهرکه بردوزد اهمیتی نداشته باشد.

مراتب موفقیت وشکست ودانایی ویا جهل همه وهمه ازمسیرتجربه بدست میآید. بخش عمده ای از تجربیات، ناشی ازروابط با مردم ویا حیوانات واشیاء است؛ اقتضای عقل وانصاف دراین است که اعلیحضرت از نامه نگارانی باشرافت وامین ودانا که عادت به موش کشی نداشته باشند استفاده کنند و اگر واقعا دراین حد محروم ازداشتن چنین افرادی میباشند، یا خودشان بتقریر نامه اقدام بفرمایند ویا اصلا تا پیدا کردن یک «آدم» به چنین گافهانی مبادرت ننمایند.

نمیتوان قبول کرد اعلیحضرت که میفرمایند: <دارند برای ۵۰ سال آینده ایران برنامه نویسی میکنند> یک «آدم» واجد صلاحیت برای نامه نویسی نتوانند ازبین سه میلیون ایرانی خارج ازکشور پیدا کنند! یقین براین است که اگرایشان با محظوری خاص ازاستفاده ازافرادخاصی روبرونباشند چنین کمبودی برای ایشان ممکن نمیشود.